

## « آگاهی سرآغاز آزادی است »

با درود و سپاس بر همه هم میهنان ارجمند

برپاور همه اندیشمندان هرنوشته، هرسروده، هرگفته پیامی دارد که نشان دهنده خواسته و دانش و بینش و اندیشه و آرمان نویسنده، سراینده و یا گوینده آنست.

از خویشکاری هر خواننده یا شنونده هم هست درباره آنچه را که میخواند، یا می شنود، و درمی یابد که با گوشه هایی از زندگی او بستگی دارد به ژرفی و با خرد و دانش و بینش خود بسنجد تا درستی و نادرستی هودگی و بیهودگی سود یا زیانش را دریابد تا بتواند آگاهانه گام در راهی نهاد که او را بسرمنزل آرزوهایش میرساند.

اگر چنین نکند و بی چراغ خرد در راهی ناشناخته گام نهاد نه تنها هرگز به آن خواستگاه نمیرسد چه بسا در چاهی بس ژرف نیز سرنگون گردد.

این چاه ژرف همان چاهی است که از ۱۴۰۰ سال پیش از این تازیان بیابان گرد با گفتن الله و اکبر و با در دست داشتن نسکی بنام کلام الله نخست نیاکان ما را پس از يك شکست نظامی در آن افکندند سپس درهالی که در همان چاه دست و پا میزدند به مرده ریگری به ما نیز رسید، بی آنکه ما از گذشته دردناک آن آگاهی درستی داشته باشیم همانگونه که امروز هم ناآگاه تر از گذشته هستیم با نیرنگ گروهی دغلباز و شیداد، در پوشاک دین داری بنام آخوند و آیت الله که پرچمدار آرمان تازیان هستند همچنان در همان چاه بی انتها فروتر میرویم. آنچنان خموش و رام و آرام که کوچکترین سدايي هم از ما برنمیخیزد.

بهیچروی آماده بهره گیری ازخرد خود در راهی خویش نیستیم تا لختی ببندیشیم، چه شده است که ما دست از آنهمه والایی و سرفرازی تاریخی و فرهنگی شسته و این چنین چشم و گوش بسته فرمانبردار روان تازیان تازشگر بر میهن و تاریخ و فرهنگ نیاکان خود شده ایم.

و یکبار هم این رنج کوچک را به خود راه نداده ایم تا کلام الله ترجمه به فارسی رهاورد اسلام را بخوانیم و دریابیم که پیام آسمانی آمده در این دفتر چیست؟

آیا بلایی است آسمانی و یا نسیمی از آزادی و آزادخواهی براندیشه الله فرستنده او وزیده است؟  
و چرا گروهی دستار بند دینی با بهره گیری از این ناآگاهی آنچنان در مغز و اندیشه و روان ما رخنه کرده اند که هر روز ما را در این چاه بی پایان فروتر میبرند. در بندگی و بردگی و پستی پذیری و خودآزایی از ما کاسه ای گرمتر از آتش ساخته و کار را بجایی رسانیده اند که در سال روز مرگ کشتارگران نیاکان ما و نابود کنندگان فرهنگ و تاریخ درخشان میهن همچون دیوانگان زنجیری با مشت و کارد و غمه و ساتور و زنجیر به جان خود می افتیم سر و جان خویش را خونین و مالین می کنیم و سپس از درد زیاد می نشینیم و های های می گرییم بی آنکه بدانیم چرا و بهره این کار بالاتر از ابلهانه ما چیست؟

هرگز هم درنیافته ایم که اینگونه بزرگداشت نابخردانه برای کشتارگران تازی سرزنش بزرگی است بر نیاکان با فر و شکوه ما. همچنین هیچگاه نینشیده ایم که آیا تازشگران تازی پیام آوران آزادی و نیکیختی و شادی و بهزیوی بوده اند که باید اینچنین مورد ستایش قرار گیرند یا رهاوردشان بردگی و بندگی و غلامی و کنیزی شرم آور و کشت و کشتار و تاراج بوده است؟

در این رهگذر بررسی داستان امام علی و فرزندان او و سپس تازی نامه بهترین نمونه هایی هستند که میتوانند یاری بخش ما در روشن شدن درستیا باشند که اگر بخوایم ازخرد خود بهره بگیریم.

پس از این روشنگری است که میتوان گره کور پیوند نادرست گره خورده روان ما را با دشمنان آزادی و آزادمنشی شناخت و با بریدن آگاهانه این گره کور دگر باره آزادی از دست داده را بدست آورد و به آغوش پر مهر تاریخ و فرهنگ میهن باز گشت.

گام نخست این است که دریابیم آیا امام علی پیشوای شیعیان جهان و امام حسین پسر او و دیگر فرزندان سر و جان خود را در راه زنده نگاهداشتن اسلام برپا داده اند؟  
بی گمان پاسخ آری است، چه تاریخ اسلام و نگهبانان آن هیچگاه سخنی جز این نگفته اند.

باینکه رویداد درون خانوادگی بیابان کربلاي تازیان کوچکترین پیوندی با ایران و ایرانیان نداشت و ندارد زیرا کشته ها و کشته شدگان همه و همه از يك خانواده و بازمانده ای از عبدمناف تازی نیای بزرگ محمد و علی و ابوسفیان و و می باشند.

ولی شوربختانه چون در پی چیره شدن تازیان بر میهن ما اسلام رهاورد محمد برگردن نیاکان ما نهاده شد و نگهبانان ریز و درشتی هم بنام «حجت الاسلام، قه الاسلام، آیت الله» بر آموزش دادن و گسترش آن گماردند بدینسان ناخواسته و نادانسته ایرانیان مرده ریگبر «وارث» این ماتداک شوم بیابان گردان تازی گردیدند.

این گماشتگان دغلكار همان نسکی را که بنام کلام الله و با زبان تازیان بدست نیاکان ما داده شده بود و خواندنش را برای آموزش روان مردگان گناهکار سودمند میدانستند تا از گناهانشان کاسته شود. پایه و اساس کار خود قرار دادند.

با بکارگیری گروهی پشت به میهن تر از خود بنام «روضه خوان، پای منبری خوان، نوحه خوان، رمال، فالگیر، دعانویس، درویش، تعزیه خوان» و و در سودجوییهای ویژه به خود این تنور نادان پروری تازی پرستی را همواره داغ و گرم نگاهداشتند که امروزه با فرمداری ولایت مطلقه فقیه نه گرم تر و داغ تر. که شراره های سوزان آن را با همه وجودمان در جسم و روح خود درمی یابیم.

همانگونه که درگذشته چه درمزگتها، خانه ها، کوچه و بازارها همه جا سخن از این بوده است که امام علی سرور آزادگان و امام حسین سالار شهیدان، سر و جان خود را در راه زنده نگاهداشتن اسلام ناب محمدی و قرآن از دست داده اند که امروزه این گفتارها با ساختن هزاران مزگت سدها برابر شده است، که بگفته آنان اسلام آزادی و برابری و برادری و دادگری برای همه جهانیان به ارمغان آورده است که اگر اینان سر و جان خود را در راه آن نمی باختند تا به امروز ردپایی از اسلام و مسلمانی در جهان بر جای نمی ماند و بیدادگری سرپای جهان را فرا میگرفت و آنگاه صاحب الزمان ناگزیر به بازگشت بود تا با کشتار دستجمعی جهان را پرا زداد کند.

به ارجحی بر این سرور آزادگان و آن سالار شهیدان سده های بیشماری است که مردم ساده اندیش و فریب خورده به شیوه های گوناگون که گفته شد همچون دیوانگان رها شده از بند آنچنان برجان خویش تازش میبرند که گویی تیشه برکنده میزنند و خود نمیدانند که چرا؟

برای رهایی این دیوانگان خردباخته نیاز به دل سوزی و دیگر مسلمانان به بند روان تازیان گرفتار آمده بهترین راه درمان آگاهی از درونمایه قرآن رهاورد محمد رسول الله است که پایه و اساس اسلام برآن استوار مییابد. از این روی برآن شدم تا با نگرشی کوتاه بدون مایه قرآن نشان دهم که کوچکترین ارمغانی برای نیکیبختی مردم و رهایی از بند بردگی در آن دیده نشده و نمیشود. که در پایدارنگهداشتنش آنهمه خونهای بی شمار بر زمین ریخته شده و پایه اینهمه بدبختی های دیوانه وار را پی ریزی کرده و خواب از چشمان گروهی بی شمار گمراه ربوده اند.

وهال این شما و این هم بخشی کوچک از کلام الله رهاورد اسلام ناب محمدی که پس از شنیدن خواهید دریافت آیا برده و بنده و غلام و کنیز زیستن گروهی، آنهم بنام ملکی متصرفی مالک، مایه ننگ و شرمساری است، یا سرافرازی دارد؟ اگر سرافرازی دارد، کساتیکه بدان گردن نهاده اند همچنان گردن نهند و بمانند و شادمان هم باشند.

ولی اگر در می یابند که غلام بودن و بردگی و بندگی و کنیزی رهاورد اسلام یعنی آزاد بودن مالک درهمبستری با آنان است از این سرشکستگی و ننگ دوری گزینند و به راه آزاد زیستن سرافرازان باز گردند.

کلام الله تازیان که سرابایش سخن از کشت و کشتار و گردنه بندی و غلامی و کنیزی است برپاور من برخاسته از مغز بیماری روانی میباشد که تهی از هرگونه دانش و منش و خرد و اندیشه است.

الله آمده در کلام الله، نه تنها دشمن آشتی ناپذیر آزادی و آزادیخواهی است که یکی از بزرگترین دیکتاتورهای جهان هستی میباشد همه فرمانهای پستی پذیری، ناله و زاری شبانه روزی بسوی او، دوری گزیدن از خنده و شادی و بهزیوی است.

الله آمده در کلام الله، با دستورات دهشتناکش چنان مینماید که دیوانه ای است زنجیری و درنده خو از تیمارستانی فرار کرده و در پی انتقام جویی از همه کس و همه چیز میباشد.

اندک نگاهی به شکنجه ها در شکنجه گاهش دوزخ آمده در سوره های بیشمار کلام الله، چهره اهریمنی او را هر چه بیشتر و بیشتر آشکار میسازد. اگر بخواهم بخش کوچکی از دستورات نابخردانه اش را برابر آیه های آمده در کلام الله به آگاهی شما برسانم شوربختانه در زمان کم این سخنرانی در خورگنجایش نیست.

ولی شما میتوانید با دستیابی بر قرآن ترجمه به فارسی مهدی الهی قمشه ای که زیر شماره/۶۲ - بتاریخ ۱۳۶۷/۳/۳۱ به گواهی وزارت ارشاد اسلامی رسیده است به چگونگی درونمایه باور نکردنی آمده در قرآن دسترسی پیدا کنید.

این الله دشمن آزادی بویژه دشمن آشتی ناپذیر با زنان نه تنها مردان را به دو دسته آزاد و برده و بنده و غلام بخش کرده است که زنان را نیمی از مردان دانسته و آن نیمه را هم به دو دسته آزاد و ناآزاد بخش کرده است.

این الله گواهی هیچ زنی را به تنهایی نمی پذیرد مگر آنکه دو زن در کنار یکمرد قرار بگیرند حال اگر زنان استاد دانشگاه باشند و مرد يك رفتگر ساده به این آیه توجه کنید.

۱- اگر دو مرد نیابید يك تن مرد و دو زن هرکه را طرفین راضی شوند گواه گیرند سوره دوم «البقره» دنباله آیه ۲۸۲ حال کمی بیندیشید چگونه است که همین الله بگناه نمازهای شبانه روزی همه گواهی های دروغین يك زن را به تنهایی و در زیر پوششی سیاه و در اطاقی دربسته و بدور از چشم هر مرد درباره یکتا بودن خودش و رسالت رسولش می پذیرد و سدایش هم در نمی آید؟

۲- ... حکم خدا در حق فرزندان شما اینست که پسران دو برابر دختران ارث برند... سوره چهارم «النساء» آیه ۱۱.

۳- هرکه را وسعت و توانایی آن نباشد که که زنان پارسای با ایمان (و آزاد) گیرد پس کنیزان مومنه که مالک آن شدید بزنی اختیار کنید... پس با کنیزکان مومنه با اذن مالکش (بی هیچ کبر و نخوت) ازدواج کنید و مهر آنها بدانچه معین شده بدهید کنیزکائی که عقیق باشند نه زناکار و نه رفیق دوستدار پس چون شوهر کردند چنانچه عمل زشتی از آنها سر بزند بر آنها نصف عذاب زنان پارسای با ایمان است.

سوره چهارم «النساء» آیه ۲۵:

این حکم کنیز را به زنی گرفتن درباره کسی است که بترسد مبادا به رنج افتد (یعنی به زحمت عزوبت یا گناه زناکاری افتد) و اگر صبر کند (تا وسعت یافته و زنی آزاد بگیرد) برای نظم خانه و تربیت فرزند شما بهتر است.

۴- سوره چهارم، آیه ۳۴:

مردان را بر زنان تسلط و حق نگرهبانی است بواسطه آن برتری «نیرو و عقل» که خدا بعضی را بر بعضی مقرر داشته و هم بواسطه آنکه مردان از مال خود به زنان نفقه میدهند. پس زنان شایسته و مطیع در غیبت مردان حافظ حقوق شوهران باشند و آنچه را که خدا به حفظ آن امر فرموده نگهدارند. زنانیکه از مخالفت و نافرمانی آنها بپیمانکاید باید آنها را موعظه کنید اگر مطیع نشدند از خوابگاه آنان دوری گزینید باز مطیع نشدند آنها را به زدن تنبیه کنید.

۵- سوره بیست و سوم «المومنون» آیه های ۵ و ۶:

و آنان که فروج و اندام شان را از عمل حرام نگاه میدارند مگر با جفتهایشان که زنان عقدي آنها باشند یا کنیزان ملكي متصرفي آنها که هیچگونه ملامتي در مباشرت این زنان بر آنها نیست.

۶- سوره دوم «البقره» آیه ۲۲۰:

با زنان مشرك ازدواج مكنيد مگر آنكه ايمان آورند همانا كنيزكي زيبا با ايمان بهتر از زن آزاد مشرك است هر چند كه از حسن او بشگفت آبي... زن به مشركان مدهيد مگر كه ايمان آورند همانا بنده مومن بهتر از آزاد مشرك است هر چند از مال و جمالش بشگفت آييد.

۷- سوره بيست و چهارم آیه ۳۳:

... و كنيزان خود كه مايلند به عفت زنهار براي طمع مال دنيا جبرا بزنا وادار مكنيد كه هر كس آنها را اكراه بزنا كند خداوند در حق آنها كه مجبور بودند آمرزنده و مهربان است.

درست توجه كنيد، در اين جا پيام الله به كنيز در بند مالك اين است كه اگر مالك تو، تو را بزور وادار بر زنا كند نترس، زنا بده من تو را مي بخشم. ولي براي مالك كنيز كه پول تن فروشي او را بر جيب ميزند كوچكترين كيفري پيش بيني نكرده و نميكنند.

آيا آيه هايي كه زير شماره ۳ و ۶ و ۷ بگوش شما رسيد پروانه بي قيد و شرط همبستر شدن مالك با كنيزان و غلامان و بردگان نيست؟

۸- سوره بيست و چهارم «النور» آیه ۳۳:

و از بردگانان آنانكه تقاضاي مكاتبه كنند (يعني خواهند كه خود را از مولا به مبلغی مشروط يا مطلق خريداري كنند) تقاضاي آنها را اگر خير و صلاحی در ايشان مشاهده كنيد بپذيريد.

۹- سوره سي ام «الروم» آیه ۲۸:

خدا براي هدايت شما از عالم خود مثلي زده آيا هيچيك از غلام و كنيزان ملكي شما در آنچه از مال و حقوق و مقام كه ما روزي شما گردانيديم با شما شريك هستند؟ تا شما و آنها در آن چيز بي هيچ مزيت مساوي باشيد و همان قدر ببيمي كه شما از نفوس خود داريد هم از آنان داريد؟ هرگز نداريد و هيچ آنها را شريك و مساوي خود نميدانيد.

۱۰- شگفتا كه بردگي و بندگي و غلامي و كنيزي در اسلام تنها ويژه نامسلمانان نيست برخي از مردان مومن و زنان مومنه مسلمان نيز در شمار بردگان و غلامان و كنيزان هستند به اين آيه نگاه كنيد.

سوره چهارم آیه ۹۲:

هيچ مومني را نرسد كه مومني را به قتل رساند مگر آنكه به اشتباه و خطا مرتكب آن شود در صورتيكه به خطا هم مومني را مقتول ساخت بايد به كفاره اين خطا بنده مومني را آزاد كند و خونبهاي آنها به صاحب خون تسليم نمايد... اگر اين مقتول با آنكه مومن است از قومي است كه با شما دشمن و محاربن در اينصورت قاتل ديه ندهد ليكن بر اوست كه بنده مومني را آزاد كند... و دهها آيه هاي ديگر اين چيني آمده در تازي نامه كه همه و همه نمايانگر بنده داري غلام بارگي كنيزبازي به مالكيت و تصرف در آوردن زنان همسر دار و دختران و مردان بگونه هر كالاي دلخواه مي باشد.

روش زشت كنيزبازي و غلام بارگي اسلامي كه جوانان زيبا روي را اخته ميكردند و بدرون رختخواب آيت الله ها مي كشانيدند. شوربختانه تا زمان پادشاهان مغل قاجار در سرزمين ما سايه شومش را افكنده بود تا در سال ۱۸۷۸ ترسايي بر غم مخالفت شديد آيت الله ها، دولت قاجار به كه ناگزير بر پذيرفتن قانون منع برده داري شده بود به كنوانسيون ژنو پيوست تا اين لكه ننگ اسلامي از تاريخ ايران زوده شده. و گر نه امروز حرمسراهاي آخوندهاي چيره شده بر ميهن ما مملو از نوجوانان زيبا روي اخته شده بود.

در بي تصويب چنين قانوني از سوي نامسلمانان اروپايي بود كه پسران نوجوان زيبا روي ايراني از اخته شدن و رفتن بدرون رختخواب آيت الله ها و پادشاهان مغل قجر و مرشدان كامل شيعه مذهب صفوي رهايي يافتند.

در این باره کتاب قابوسنامه «عنصرالمعالی قابوس بن وشمگیر» باب بیست و سوم - و رستم التواریخ نوشته محمدهاشم آصف «رستم الحکما» به اهتمام محمدمشیری، برگهای ۱۰۷ تا ۱۱۴ و ۱۴۷ بویژه ۲۰۰ و ۲۰۱ و تاریخ اجتماعی ایران نوشته مرتضی راوندی پوشینه سوم چاپ سوم بازبینی شده پیش از چیرگی آخوندها برگهای ۵۳۳ و ۵۶۰ تا ۵۶۲ و همچنین دفتر پژوهش در زندگی علی نماد شیعه گری نوشته آله دال فک برگهای از ۱۹۹ تا ۲۰۳ برای نمونه را بخوانید که از مسلمانی و پیام الله آمده در تازی نامه، عرق شرم بر پیشانی هر مسلمان می نشیند.

با نگاهی ساده و بدور از کوردلی تازی پرستی بر این آیات قرآنی و دهها آیه دیگر اگر بپذیریم که امام علی و فرزندش امام حسین و دیگر یاران او که در دشت کربلا کشته شدند بدرستی در راه آزادی اندیشه و از میان برداشتن بردگی و بندگی و غلامی و کنیزی و دیگر نابرابریها سر و جان باخته اند؟

باید چشم بسته این درستی را بپذیریم که قرآن و آرمان اسلام ناب محمدی را زیر پا نهاده و مسلمان نبوده اند.

اگر بپذیریم که در راه بکار بستن دستورات اسلام و قرآن جنگیده و سر و جان خود را در راه آن از دست داده اند، باید آگاهانه و خردمندانه بپذیریم که بردشمنی با آزادی و زنده نگاه داشتن بندگی، بردگی، غلام بارگی و کنیزبازی و جنگیده اند که نه تنها در خورستایش نیستند که در خور همه گونه سرزنش هم هستند، فروزه سرور آزادگان و سالار شهیدان را هم بدنام و آلوده کرده اند که این بدنامی باید از روی آن فروزه ها برداشته شود.

داوری خردمندانه بدور از هرگونه کوردلی تازی پرستی پس از نگرش آیات کلام الله و بن مایه های آمده در نسخهای یاد شده با شنوندگان است.

با ارج فروان

پاینده ایران برافراشته باد درفش کاویانی سرخ و زرد و بنفش  
پاسداران فرهنگ ایران. پاریس. آله دال فک

تاریخ ۲۹ فروردین ماه/ ۲۷۱۱

۱۸ آوریل ۲۰۰۳

درفش کاویانی



<https://derafsh-kaviyani.com/>  
<https://the-derafsh-kaviyani.com/>